

اهمیت عنصر «برابری فرصت‌ها» در سندالگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سیدمحسن آل سیدغفور*

آلیس طالقانی زاده**

چکیده

سند الگوی پیشرفت بنا به فرمان مقام معظم رهبری، با مشارکت گسترده متفکران و صاحب نظران ایرانی و براساس جهان بینی و اصول اسلامی، برطبق روش های علمی و مطالعه آینده پژوهانه طراحی شده است که شامل پنج بخش می باشد. این سند دارای شاخص های راهبردی برای پیشرفت جامعه اسلامی ایرانی و نیز همه جوامع اسلامی است. با توجه به بررسی امکان چگونگی برقراری عدالت مورد نظر سند در جامعه اسلامی ایرانی، پژوهش حاضر درصدد بیان این مطلب است که مؤلفه «برابری فرصت‌ها» می تواند به عنوان یکی از شاخص های قابل تأمل در ارتباط با اجرای عدالت اسلامی مطرح گردد. در واقع، هدف مقاله حاضر، تبیین این مسئله است که چه رابطه ای بین مؤلفه برابری فرصت ها و عدالت اسلامی در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می تواند وجود داشته باشد؟

این نوشتار درصدد تبیین این فرضیه می باشد که بررسی سند مورد اشاره نشان می دهد رابطه مستقیمی بین برابری فرصت ها و عدالت اسلامی وجود دارد و با پی ریزی فرصت های برابر در تمام عرصه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می توان زمینه های گسترش عدالت اسلامی و سپس پیشرفت و توسعه اجتماعی را در جامعه فراهم آورد. در واقع می توان گفت در صورت پیاده شدن برابری فرصت ها به عنوان متغیر مستقل، اجرای عدالت اسلامی مورد نظر در سند الگوی پیشرفت تسهیل می گردد. بر این اساس در جهت تدوین این مقاله از روش کتابخانه ای-توصیفی و روایی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، برابری فرصت ها، عدالت، عدالت اسلامی.

aleghafur@gmail.com

* عضو هیأت علمی، استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهیدچمران اهواز

** کارشناس ارشد علوم سیاسی فارغ التحصیل واحد علوم و تحقیقات خوزستان (نویسنده مسئول)

alicetaleghani59@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

مقدمه و بیان مسئله

مقام معظم رهبری مدظله العالی با طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صفحه نوینی را برای تجدید حیات تمدن اسلامی در زیست‌بوم ایران گشایش نمود. این امر نوید بخش آفاق پیشرفت و ترقی برای مردم ایران می‌باشد. سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انعکاسی از عمق پایه‌های فرهنگی و فکری مردم ایران زمین و نمایی از همه اعتقادات، التزامات، آمال و آرزوهای آنان می‌باشد که در افق سال ۱۴۴۴ ترسیم شده است. موضوع «برابری فرصت‌ها» به مثابه وجه ملموس «عدالت اجتماعی» نقشی محوری در تمام متن سند الگوی پایه دارد و در واقع می‌توان آن را به‌عنوان اولین معیار و سنجش مقدار نزدیک شدن به تحقق افق ۱۴۴۴ در نظر گرفته و مورد استفاده قرار داد. مقام معظم رهبری با مورد اهمیت قرار دادن عدالت در سند الگوی پیشرفت، می‌فرمایند: «عدالت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی لحاظ شود چراکه در اسلام، عدالت، معیار حق و باطل و ملاک مشروعیت یا عدم مشروعیت حکومت‌ها است». لذا با توجه به اهمیت عدالت برای اجرایی شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌بایست بتوان برای شناسایی مفهوم اجتماعی عدالت، تعریفی روشن‌تر داشته باشیم. با بررسی دیدگاه برخی اندیشمندان اسلامی از صدر اسلام تا کنون، رابطه عمیقی را بین دو مؤلفه عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها می‌توان بازشناخت لذا شناسایی مؤلفه «برابری فرصت‌ها» به‌عنوان یکی از وجوه مهم اجرای عدالت در «مبانی» و «آرمان» می‌بایست در «تدابیر» سند پایه مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری

عدالت در مکتب اسلام

در اسلام، با نگاه ویژه به مفهوم عدالت، یکی از راه‌های ایجاد جامعه مطلوب و فاضله را در برقراری قسط و عدالت می‌داند و می‌گوید عدالت و حکمت خداوند ایجاب می‌نماید که نظام هستی متوازن و متعادل خلق و اداره گردد به گونه‌ای که هیچ تفاوت و تبعیض ولو با نگاه دقیق و عمیق در آن یافت نمی‌شود؛ همچنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَٰوُتٍ»^۱ (ملک، ۳) و امثال این آیه نشان از اهمیت عدالت در مکتب اسلام دارد. امام علی (علیه السلام) در سفارش به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «بُنِيَ إِجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَاحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا»^۲ (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این نکته که آدمی

۱. و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت.

۲. فرزندم خود را میزان داوری میان خویش و دیگران قرار بده و آنچه بر خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند و آنچه را که بر خود ناخوش می‌داری بر دیگران مپسند (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران نیز پسندد، یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی است که انبیای الهی مردم را به آن سفارش کرده‌اند و در مسائل حقوقی و سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع امام علی علیه السلام عدالت را تساوی و برابری حق افراد (در شرایط برابر) تعریف نموده است و معتقد است که بنابر اصل تساوی افراد در خلقت، آزادی و مساوات یک حق بشری و الهی برای همه مردم است. اگرچه مفهوم عدالت با توجه به مبادی فکری و گفتمان حاکم بر یک مکتب نظری، فهم و تفسیری گوناگون پیدا خواهد کرد، اما در این نوشتار جهت بازشناسی ارتباط ساختاری این مفهوم با شناسه تعادل فرصت‌های اجتماعی در روند پیشرفت، به بررسی دیدگاه اسلام پرداخته خواهد شد.

پیش فرض‌های مورد پذیرش برای شناخت عدالت اسلامی و یا وجهی از عدالت اسلامی در نوشتار حاضر، بر این مطلب مبتنی است که: «چون انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند پس جوهر عدالت اجتماعی نیز برابری است». دیدگاه اسلامی، از سویی همسانی انسان‌ها و از سویی برابری اجتماعی را مورد تأکید قرار داده است. در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به این مسئله اشاره نموده است از جمله این آیات می‌توان به آیات ذیل اشاره نمود:

۱. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ...»^۱ (زلزال، ۷ و ۸).

در این دو آیه شریفه «فَمَنْ يَعْمَلْ» کاملاً عام است و شامل تمامی افراد بشر می‌شود، همچنین پاداش و جزا را به اعمال اختصاص داده و نه به اشخاص و افراد؛

۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...»^۲ (حجرات، ۱۳).

در این آیه خداوند، با «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» خطاب را متوجه «همه مردم» نموده است، فارغ از هرگونه اختلافی و ضمن تأکید بر تنوع موجود میان مردم فضیلت را فقط از آن متقین اعلام کرده است و نه هیچ قبیله یا نژادی خاص. قرآن همه اختلافات طبقاتی را که موجب تفاخر می‌شود نفی کرده است و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا؛

۳. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»^۳ (اسراء، ۷۰) در این آیه خداوند، از کرامت «تمامی بنی آدم» یعنی

همه انسان‌ها صحبت نموده است.

۱. پس هرکس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید. و هرکس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید.

۲. ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست... .

۳. و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «إِنَّ رَبُّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، وَأَدَمٌ مِنْ تُرَابٍ، لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى» یعنی پروردگارتان یکی است و پدرتان نیز یکی است، و انسان از خاک است، بنابراین بدانید که نه عرب بر عجم و نه بالعکس، برتری ندارد مگر در تقوا. درحقیقت گرمای ترین فرد را باتقواترین آنها می داند. و نیز این جمله، همه مردم از دورترین زمان تا کنون، همچون دندانه‌های یک شانه با یکدیگر برابرند. امام علی علیه السلام نیز در عهدنامه مالک اشتر بر همسانی انسان‌ها از نظر آفرینش تأکید داشته‌اند و می فرمایند: «أَوْ تَنْظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» یعنی: و یا در آفرینش همانند تواند. همان طور که گفته شد جوهر عدالت اجتماعی «برابری» است چراکه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند؛ برابری حکم می‌کند تا افراد همسان از حقوق همسان برخوردار شوند. (همچنین) از شواهد دیگر ارزش اسلامی «برابری» در قرآن و احادیث، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَيَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعِدُّوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ» یعنی از خدا بترسید و بین فرزندان به عدالت رفتار کنید. (تأکید بر لزوم مساوات بین فرزندان)؛
۲. خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ (بقره، ۲۲۸) (اشاره به حقوق زنان)؛
۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «كُلُّكُمْ فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ» یعنی تساوی در اجر؛
۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «النَّاسُ سَوَاءٌ (يَا شُرَكَاءَ) فِي ثَلَاثٍ: النَّارَ وَالْمَاءَ وَالْكِلَاءَ» یعنی، تمامی مردم در آب رودخانه‌ها و چشمه‌ها، چاه‌ها و نیز گیاهان خودرو، از نظر اباحه و حق بهره‌برداری، شریک و دارای حقوقی برابرند، و این اموال به فتوای بیشتر فقهای شیعه و عامه غیرقابل تملک و تملیک فردی است. (تساوی در حق انتفاع از منابع طبیعی خدادادی)؛
۵. امام علی علیه السلام فرمودند: «الْقَسَمُ بِالسُّوْبَةِ وَالْعَدْلُ فِي الرَّعِيَةِ» یعنی (التزام به تقسیم مساوی بین مردم و شهروندان)؛

۶. امام علی علیه السلام: «لَهُ لَنَا وَ عَلَيْهِ مَا عَلَيْنَا مُسْلِمًا كَانَ أَوْ كَافِرًا» (حقوق عام مدنی و اساسی از قبیل حق مالکیت و تصرف، حق حیات، حق امنیت جانی و شغلی، حق دادخواهی از دادگاه و...)، عدالت اسلامی حق مدار است و در مکتب اسلام، حق از نام‌های خداوند است. آنچه بیشتر از سایر تعاریف پذیرفته شده است این تعریف می‌باشد: «اعطاء كل ذي حق حقه». اگر برابری انسان‌ها طبق روایات و احادیث گفته شده را پیش فرض بگیریم در شرایط یکسان مقتضای حق و عدالت، اعطای فرصت‌های برابر به همه شهروندان می‌باشد و اگر ذات انسان‌ها را برابر فرض کنیم،

۱. و زنان را بر شوهران حق مشروعی است... .

حق این است که از حقوقی برابر بهره‌مند گردند بالأخص اینکه در اسلام تفاوت‌ها تنوع است نه تفاضل.^۱

با توجه به مطالب مورد اشاره این استنتاج حاصل می‌شود که، به رغم اینکه عدالت به اعطاء کل ذی حق حقه معنا می‌شود؛ اما در شرایط یکسان مقتضای عدالت، برابری در حقوق و تکالیف است (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۸۹). البته این همان مفهومی است که شهید بهشتی از آن با عنوان «عدالت اخلاقی» نام می‌برد. در آیات و احادیث یاد شده، از واژه عدل و مشتقات و مترادف‌های آن، معنی «برابری و مساوات» برداشت می‌گردد هرچند این معانی نیز عمومیت ندارد.

برابری فرصت‌ها

«برابری فرصت‌ها» اصطلاحی علمی و سیاسی-اجتماعی می‌باشد که می‌توان از آن تحت عنوان برابری و تساوی تمامی شهروندان در دستیابی به فرصت و امکان بهره‌مندی از امکانات، خدمات و ثروت‌های ملی و همچنین برابری قانونی آحاد ملت به معنی داشتن جایگاهی مساوی از نظر حقوقی جهت بهره‌مندی از زندگی کرامت‌آمیز و همچنین دستیابی به پیشرفت و موفقیت تعریف نمود. باید گفت اصطلاح سیاسی «برابری فرصت»^۲ یا «فرصت برابر»^۳ در مقایسه با اصطلاح سیاسی «برابری نتیجه»^۴ مطرح می‌گردد. در واقع «برابری نتیجه» ممکن است با برخی از مفاهیم عدالت در تعارض باشد؛ اما «فرصت برابر» این تعارضات را نخواهد داشت. براساس برابری فرصت، شهروندان می‌بایست تحت شرایطی برابر با هم به رقابت (سیاسی و اقتصادی) پردازند. برابری فرصت ناشی از یکسان برخورد کردن با همه مردم، فارغ از موانع یا تعصبات یا ترجیحات مصنوعی است، تا مشاغل مهم به شایسته‌ترین‌ها تخصیص یا بند کسانیه که احتمالاً قابل‌ترین‌ها در انجام یک وظیفه خاص باشند و نه تصادفی یا وضعیت خانوادگی یا دوستان یا دین یا جنسیت یا قومیت، خویشاوند سالاری، نژاد، طبقه، سن، هویت، باعث به دست آوردن آن نباشند.

۱. البته در مورد پاره‌ای از موضوعات در محوریت مذهب یا جنسیت و تا حدی نیز معلولیت‌ها، نظر برخی از دانشمندان متفاوت است برای مثال در مورد قضیه جنسیت و «قومیت رجال» این را تفضیل می‌دانند هرچند نظرهای دیگر، این قومیت را نیز «مسئولیت» می‌دانند تا امتیاز؛ در هر صورت این موارد از قضایای مورد اختلاف است که احتیاج به مباحث جداگانه و تفصیلی دارد اما بی‌شک جوهر درونی مرد و زن برحسب بسیاری از آیات قرآن کریم مطمئناً یکسان است، همچنین مقتضیات زمان و مکان در مبانی فقهی امام خمینی علیه السلام و برخی از متفکران ما برای حل تعارض‌های موجود بسیار کارگشا است؛ در مقاله از این مورد صحبت به میان آمده است.

2. Equality Of Opportunity

3. Equal Opportunity

4. Equality Of Outcome

بررسی مفهوم عدالت در نظریات اندیشمندان اسلامی

قانون گذاری الهی همان گونه که در عالم تکوین عدالت را اساس آفرینش قرار داده، در نظام تقنین و مقررات عملی و نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز تحقق عدالت را با جدیت دنبال کرده است. عدالت اجتماعی نیز از مهم ترین آموزه های تعالیم اجتماعی اسلام است که در نظام حقوقی آن تجلی یافته است (نقیبی، ۱۳۸۵، ص ۸).

عدالت ارزشی عام و مطلق می باشد و برای فهم اجتماعی آن می بایست کمی از بار معنایی وسیع مقوله کاسته و با دیدی اجتماع محور به آن نگاه کرد. از صدر اسلام تا نظریه پردازان عصر حاضر انقلاب اسلامی توضیحات زیادی از عدالت ارائه شده است، اما متأسفانه ذکر خاص این کلمه در مشروح فعلی سند (سند پایه) مشاهده نگردیده است و اکتفا به مفهوم مطلق و وسیع و عام عدالت برای بزنگاه بزرگ و تمدن سازانه تهیه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، باعث تضعیف ابعاد اجرایی کاربردی این ارزش ولایی اسلامی و ایرانی خواهد شد، لذا با تقلیل نظری وسعت مفهومی و تطبیق واقع گرایانه آن، با تاسی از بزرگان صدر اسلام و همچنین متفکران انقلاب اسلامی ایران همچون شهید بهشتی و استاد مطهری امکان طراحی و تدبیر اجرایی تری خواهیم داشت. در این مبحث مفهوم عدالت از منظر سه اندیشمند اسلامی معاصر ایرانی تعریف و دیدگاه آنها در مورد این مفهوم ارائه می گردد.

الف) عدالت اخلاقی در نگاه شهید بهشتی

بررسی مفهوم و روش شناسی عدالت در آرای شهید بهشتی از جایگاه خاصی برخوردار است. ایشان با توجه به مقام و منزلت و کرامتی که برای انسان قائل است پیام هدایت قرآن را تحقق عدالت در زمینه های مختلف زندگی بشری می داند. شهید بهشتی در توصیف اسلام آن را آیین حق، عدل و قسط معرفی کرده و عدل اخلاقی و فرهنگی را در جامعه اسلامی زیربنای همه عدل ها می داند. در واقع نکته مهمی که شهید بهشتی بر آن اصرار و تأکید دارد مقوله مهم عدالت اخلاقی است. ایشان تحقق ابعاد گوناگون عدالت را کاملاً به هم مرتبط می داند و زندگی عادلانه، عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی و عدالت معنوی را تنها براساس حاکمیت ضابطه ها و صداقت ها می داند و هرگونه رودربایستی و رفاقت را که مانع از برپایی عدالت می شود را نفی می کند. عدل سیاسی و عدل اقتصادی را به نسبت نقشی که در عدل اخلاقی دارد مورد توجه قرار می دهد (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷) به اعتقاد وی «اگر در جامعه اسلامی کوششی برای اقامه عدل نباشد کسی به سراغ ما نمی آید و بلکه برعکس جوان ما هم به جایی می رود که برای اقامه عدل گام برداشته اند چه خدا و

اسلام باشد چه نباشد» (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۶). بر مبنای همین عدالت اخلاقی است که ایشان هدف از قبول مسئولیت در نظام اسلامی را نیز تنها در راستای خدمت به مردم تعریف می‌کند. مهم ترین رکن عدالت اخلاقی از دیدگاه بهشتی، برخورد از روی انصاف با افراد و عقاید است و با توجه همزمان به خردورزی و تدبیر و خلوص عقیده می‌توان مدعی رعایت عدالت در جامعه شد. از دیدگاه بهشتی و بر مبنای تعریفی از عدالت منسوب به مولای متقیان، عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود است. به طور کلی نظر بهشتی در مورد عدالت را می‌توان در این عبارت خلاصه کرد که عدالت یک حق الهی است، منشأ امر خدا عدل و احسان است، فطرت و خمیرمایه و سرشت انسان نه تنها با حق سرچنگ ندارد، بلکه با حق پیوندی اصیل دارد. در نگاه بهشتی انصاف به عنوان متن عدالت اسلامی معرفی می‌گردد. (انصاف یعنی آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز می‌پسند) (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).

ب) عدالت در نگاه شهید مطهری

اندیشه سیاسی مطهری، رکنی از نظام دانش‌های نظری و عملی وی است. مسئله عدالت یکی از دغدغه‌های فکری وی در دوران معاصر اسلامی بوده است. شهید مطهری با نگاهی به سخنان امام علی (علیه السلام) در مورد حق، عنوان می‌کند که حق، متقابل است و از اموری است که وقتی به نفع کسی جریان پیدا می‌کند، علیه او هم هست. یعنی قهراً هیچ کس بر دیگران ذی حق نمی‌شود مگر اینکه دیگران هم بر او ذی حق می‌گردند (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۱۹). شهید مطهری در مقام تبیین مفهومی عدالت تلاش می‌کند با توجه به تنوع کاربردهای عدل در فضاهاى مختلف، آن را تفسیر نماید. ایشان تساوی و نفی هرگونه تبعیض را به عنوان یکی از مفاهیم عدالت معرفی می‌کند و می‌گوید: «مقصود از عدالت در اینجا، رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌هایی می‌باشد که افراد از آن برخوردار بوده و این رفع تبعیض با ملاحظه تفاوت‌های بین افراد است» (مطهری، ۱۳۶۸). شهید مطهری همچنین، عدالت را به معنای بهره‌برداری افراد از سهم خود در طبیعت و جامعه می‌داند؛ یعنی افراد باید بتوانند قوه‌هایی را که در طبیعت و جامعه هست، به فعلیت رسانده، از دسترنج خویش سود ببرند، نه دیگران. این گونه نباشد که یکی کار، و دیگری بهره‌برداری کند (مطهری، ۱۳۷۷). ایشان بیان می‌دارد که رعایت حقوق افراد و رعایت کردن هر ذی حقی حق، و ظلم عبارت می‌شود از پایمال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران. یعنی استاد مطهری این تعریف از عدالت را متکی بر دو چیز دانسته که یکی حقوق و اولویت‌هایی می‌باشد که نیمی از افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا کرده و دیگر

اینکه خصوصیت ذاتی بشر به گونه‌ای است که با استفاده از اندیشه‌های اعتباری، در دستیابی به مقاصد و سعادت خود از آنها به‌عنوان آلت فعل بهره می‌برد. لذا باید برای رسیدن افراد جامعه به سعادت، یک سری حقوق و اولویت رعایت شود (طاهری، ۱۳۸۸). استاد مطهری می‌گوید: «عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید» (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۴). از آنجایی که عدالت بر افکار، اخلاق فردی و رفتار عمومی تأثیر بسزایی می‌گذارد باید راه‌هایی ارائه کرد تا بتوان عدالت را در تمام عرصه‌های اجتماع اجرا کرد. عدالت پایه و مبنای هر قاعده و حکم اجتماعی و اقتصادی اسلام است.

عدالت در متن سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت

در سند الگوی پیشرفت عدالت از جایگاه خاصی برخوردار است و در پنج بخش تدوین شده سند، وجود آن به وضوح قابل مشاهده است. در واقع اجرایی شدن این پنج بخش در گرو لحاظ عدالت بر مبنای اسلامی آن، برای رسیدن به آرمان‌ها و استحصال تدابیری اندیشمندانه است. بخش‌های پنج‌گانه سند الگوی پیشرفت، در باب عدالت، نقش و اهمیت آن عبارت است از: ۱. مبانی؛ ۲. آرمان‌ها؛ ۳. رسالت؛ ۴. افق؛ ۵. تدابیر.

- مبانی: همان طور که در جدول ذیل مشهود است هر شش مبنا دارای ابعاد عدالت محور و یا مستلزمات آن می‌باشند.

- در مبنای خداشناسی، خداوند «عادل» در تکوین، تشریح و سزادهی است؛
- در مبنای جهان شناختی، بهره‌برداری کارآمد و «عادلان» از جهان مادی سبب تأمین نیازهای او می‌شود؛
- در مبنای جامعه‌شناختی، تقوا، «عدالت» و استقامت و فور نعمت را در پی خواهد داشت؛
- در مبنای ارزش‌شناختی، ارزش‌ها ریشه در واقعیت دارند و اصول آنها ثابت، مطلق و جهان‌شمول است، بنابراین عدالت نیز جنبه‌های واقعی و ملموس خواهد داشت که «برابری فرصت‌ها» یکی از بهترین نمادهای آن است؛
- در مبنای دین شناختی، دین، دستگاه جامع معرفتی-معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان نازل شده است، پس جامعیت آن بهترین دلیل بر توازن و تعادل آن خواهد بود، عدالت در بسیاری از دوگانگی‌ها که از دنیا و آخرت شروع می‌شود و به دیگر عرصه‌ها تسری می‌یابد، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. همچنین دین

برای همه آدمیان نازل شده است (که در این سند تمام ایرانی ها را دربر می‌گیرد) لذا عدالت در تمام سطوح و عرصه‌ها می‌بایست در بین تمام افراد ساکن (شهروند) در جغرافیای ایران اسلامی را دربر بگیرد.

جدول ۱: مبانی و نقش عدالت در سندالگوی پیشرفت

الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	تعریف عام	تفکیک تفصیلی و توضیحات کلی	عناصر تفصیلی تشکیل‌دهنده الگوی پایه که مرتبط با مفاهیم عدالت و برابری فرصت‌ها
مبانی	اهم پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان‌شمول معطوف به پیشرفت	خداشناختی	عادل در تکوین، تشریح و سزادهی است.
		جهان‌شناختی	خداوند جهان مادی را در خدمت انسان که امانت‌دار و آبادکننده آن است، قرار داده که در صورت بهره‌برداری کارآمد و عادلانه، تأمین‌کننده نیازهای او است.
		انسان‌شناختی	بعد فطری او که ناشی از نفخه الهی است منشأ کرامت ذاتی و نیز برخورداری از اوصاف خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های متعالی است.
		جامعه‌شناختی	شماری از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع و تاریخ عبارتند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده انسان؛ وفور نعمت در اثر تقوا، عدالت و استقامت.
		ارزش‌شناختی	ارزش‌ها ریشه در واقعیت دارند و اصول آنها ثابت، مطلق و جهان‌شمول است.
		دین‌شناختی	دین، دستگاه جامع معرفتی-معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان نازل شده است.

- آرمان‌ها: آرمان‌ها همان ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی جهت بخش پیشرفت می‌باشند که با هدف تحکیم خلافت الهی و حیات طیبه انسان‌ها در سند پایه الگوی پیشرفت معرفی شده‌اند. تعدادی از ارزش‌های عدالت محور برای همه ایرانیان که منتج به این هدف می‌گردند عبارتند از:

- سلامت جسمی و روانی، (برای تمام افراد ساکن در جغرافیای ایران اسلامی - یعنی تمام ایرانیان)؛
- مدارا و همزیستی با هموعان، (در سراسر زیست‌بوم و خارج از آن)؛
- رحمت و اخوت با مسلمانان؛
- بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت (ولاجرم تعمیم تعامل عادلانه با همه چیز و همه کس)؛
- آزادی مسئولانه (که ضامن برابری و حفظ حقوق تمامی ایرانیان است)؛
- انضباط اجتماعی و قانون‌مداری (که تنها می‌تواند بر پایه عدالت قوام یابد)؛

- عدالت همه‌جانبه؛
- تعاون (که مستلزم برابری افراد متعاون و عدم احساس برتری جویی در بین تمامی آنان می‌باشد، لذا تعاون می‌بایست براساس برابری تمام ساکنین ایران (شهروندان) و برابری فرصت‌ها بین آنان بنا گردد).

جدول ۲: رابطه آرمان‌ها و عدالت در سند الگوی پیشرفت

الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	تعریف عام	تفکیک تفصیلی و توضیحات کلی	عناصر تفصیلی تشکیل‌دهنده الگوی پایه که مرتبط با مفاهیم عدالت و برابری فرصت‌ها
آرمان‌ها	ارزش‌های فرازمانی-فرا مکانی و جهت بخش پیشرفت	خلافت الهی و حیات طیبه	سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هموعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون

- رسالت: رسالت که میثاق مشترک تمامی ایرانیان و مسئولان برای رسیدن به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد نمی‌تواند جز بر برابری ایرانی‌ها و نیز برابری فرصت‌ها بین آنان بنا گردد چراکه حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی می‌بایست با تطبیق آرمان‌ها بر زیست‌بوم کشور جمهوری اسلامی ایران یعنی بر تمام افراد و فضای سرزمینی باشد. و همه ایرانی‌ها از فرصت‌های برابر تا رسیدن به رسالت مشترک بهره‌مند گردند.

جدول ۳: رابطه رسالت و عدالت در سند الگوی پیشرفت

الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	تعریف عام	تفکیک تفصیلی و توضیحات کلی
رسالت	میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت	رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است.

-افق: افق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در زیست‌بوم ایران با تأکید بر تثبیت مفاهیم «مردم‌دیندار ایران» و «سبک زندگی خانواده اسلامی ایرانی» برخی از اهداف و تصاویر اجتماعی را برای خود در سال ۱۴۴۴ ترسیم نموده است برخی از این تصاویر که حاکی و نمودی از فراگیری «عدالت اسلامی» و همچنین توسعه و تطبیق مفهوم «برابری فرصت‌ها» در سطح ملی می‌باشد به این ترتیب است:

- سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده؛
- شاغل در حرفه متناسب؛
- اقتصادی خوداتکا (که فقط با جذب و به‌کارگیری تمامی نیروهای داخلی و افراد ساکن زیست‌بوم در دو مرحله تولید و توزیع اقتصادی و ثروت‌ها قابل تحقق است)؛
- خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است؛
- فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده؛
- تکافل عمومی؛
- تأمین اجتماعی جامع و فراگیر؛
- دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه؛
- ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی؛
- اتکا به آرای عمومی؛
- مشارکت آزادانه مردم.

جدول ۴: رابطه افق و عدالت در سندالگوی پیشرفت

الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	تعریف عام	تفکیک تفصیلی و توضیحات کلی	عناصر تفصیلی تشکیل‌دهنده الگوی پایه که مرتبط با مفاهیم عدالت و برابری فرصت‌ها
افق	تصویرسازی آرمان‌های الگو بر جامعه و زیست‌بوم ایران در نیم‌قرن آینده	*مردم دیندار ایران *سبک زندگی خانواده اسلامی ایرانی	سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده شاغل در حرفه متناسب اقتصادی خوداتکا خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده تکافل عمومی تأمین اجتماعی جامع و فراگیر دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی اتکا به آرای عمومی مشارکت آزادانه مردم

-تدابیر: تدابیر در واقع همان تصمیمات و اقدامات اساسی برای شکوفا ساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به منظور رسیدن به افق سال ۱۴۴۴ است. البته تعداد این تدابیر در سند پایه الگو ۵۶ بند می‌باشد که تعداد ۱۹ بند آن در مورد عدالت و فرصت‌های برابر بوده است. این ۱۹ بند را به صورت کلی می‌توان در چهار حوزه اصلی زندگی انسانی بازتعریف نمود:

الف) حوزه فرهنگی (بند ۱۱):

ب) حوزه سیاسی (بندهای ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲):

ج) حوزه اجتماعی (بندهای ۲۸، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۳، ۴۶):

د) حوزه اقتصادی (بندهای ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۳۱).

جدول ۵: رابطه تدابیر و عدالت در سند الگوی پیشرفت

الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	تعریف عام	تفکیک تفصیلی و توضیحات کلی	عناصر تفصیلی تشکیل‌دهنده الگوی پایه که مرتبط با مفاهیم عدالت و برابری فرصت‌ها
تدابیر	تصمیمات و اقدامات اساسی	در ۵۶ بند	عدم تعارض دوگانه‌هایی، پیشرفت و عدالت، ایرانی بودن و اسلامیت (بند ۱۱) تحقق عدالت مالیاتی (بند ۲۱) تحقق عدالت در ساختار قانونی نظام بانکی (بند ۲۳) تأمین عدالت بین نسلی (بند ۲۴) رعایت ملاحظات بین نسلی در بهره‌برداری از ثروت‌های ملی (بند ۲۸) توانمندسازی مناطق محروم و سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف (بند ۳۰) تمرکززدایی در ساختار اقتصادی-مالی کشور در چارچوب سیاست‌های ملی (بند ۳۱) پوشش همگانی مراقبت‌ها و خدمات و توزیع عادلانه منابع حوزه سلامت (بند ۳۶) مشارکت نظام‌مند مردمی در ارتقای سلامت (بند ۳۷) فرصت‌های عادلانه برای زنان (بند ۴۱) افزایش آگاهی و اخلاق اجتماعی و تقوای عمومی (بند ۴۳) تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه (بند ۴۴) حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت و ثبات سیاسی (بند ۴۵) گسترش و تقویت تشکل‌های مردمی (بند ۴۶) ارتقای نظارت مردمی (بند ۴۷) ترویج حقوق و تکالیف شهروندی و تقویت احساس آزادی در احاد جامعه (بند ۴۹) تعیین ضوابط عادلانه تخصیص امکانات مسئولان حکومتی و تشکل‌های سیاسی (بند ۵۰) اهتمام مسئولان به هنجار عدالت (بند ۵۱) کمتر از یک درصد جمعیت کشور حقوق‌بگیر دولت (بند ۵۲)

عدالت در فرمایشات مقام معظم رهبری مدظله العالی در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مقام معظم رهبری چهار عرصه: ۱. فکر؛ ۲. علم؛ ۳. زندگی؛ ۴. معنویت را به عنوان عرصه‌های الگوی پیشرفت معرفی نموده‌اند که بی‌شک اهمیت مفاهیم «عدالت» و «برابری فرصت‌ها» در هر چهار زمینه کاملاً مشهود است.

عرصه فکر: در مورد این عرصه مقام معظم رهبری بیان می‌دارند: «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به گونه‌ای تدوین شود که جامعه را به سمت جامعه‌ای متفکر سوق دهد و جوشیدن فکر و «اندیشه ورزی» به حقیقتی نمایان در جامعه تبدیل شود». ایشان در همین زمینه مشخص شدن راهبردها و الزامات پیشرفت در عرصه فکر و توجه به ابزارهای آن از جمله «آموزش و پرورش و رسانه‌ها» را در تدوین الگوی پیشرفت مهم دانستند در مبحث فکر، همان طور که مقام معظم رهبری بر ضرورت‌های خاص آموزش و پرورش تأکید کرده‌اند، برابری فرصت‌ها و عدالت در داشتن آموزش و پرورش توانا و مولد امری واضح و مکشوف می‌باشد (بیانات رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹).

عرصه علم: دومین عرصه‌ای بود که رهبر انقلاب به عنوان عرصه‌های پیشرفت مطرح کرده‌اند. ایشان در این زمینه خاطرنشان کردند: «نوآوری و حرکت خوب موجود در زمینه استقلال علمی باید با شتاب و قوت بیشتر ادامه یابد و راه‌های پیشرفت همه جانبه، عمیق و بنیانی علمی، در الگو مشخص شود». مقام معظم رهبری در این فرمایشات از استقلال علمی و همچنین از پیشرفت همه جانبه صحبت نموده‌اند که این دو مورد با مشارکت آحاد مردم ایران و جلب مشارکت همگانی با ایجاد فرصت‌های برابر قابل تحقق دائمی خواهد بود.

عرصه زندگی: حضرت آیت الله خامنه‌ای، توجه به مسائل و خطوط اصلی زندگی مانند امنیت، عدالت، رفاه، آزادی، حکومت، استقلال و عزت ملی را در بحث الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ضروری دانستند و افزودند: در این الگو باید به عرصه زندگی، وجه کافی شود (همان، ۱۳۸۹) چنانچه مشاهده می‌شود در عرصه زندگی نیز مقام معظم رهبری عدالت را به وضوح و آشکارا بیان فرموده‌اند.

عرصه معنویت: رهبر انقلاب اسلامی، معنویت را چهارمین و مهم‌ترین عرصه‌ای دانستند که در کار پیچیده، دقیق و بلندمدت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، باید به آن توجه شود چراکه معنویت، روح پیشرفت واقعی در همه زمینه‌ها و مسائل است. پس روح پیشرفت الگوی اسلامی ایرانی نیز همانا معنویت می‌باشد، بنابراین پرواضح است که جامعه‌ای که از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی رنج می‌برد نمی‌تواند خود را به عنوان «جامعه معنویت‌گرای حقیقی» معرفی نماید.

مقام معظم رهبری در جایی دیگر نیز با وضوح کاملی نکات فوق در مورد عدالت (و برابری فرصت‌ها) را بیان داشته‌اند و فرمودند: «عدالت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی لحاظ شود چراکه در اسلام، عدالت، معیار حق و باطل و ملاک مشروعیت یا عدم مشروعیت حکومت‌ها است». همچنین ایشان می‌گویند: «هدف‌گیری عدالت اجتماعی هدفی است که همه ما دنبال آن هستیم؛ اصلاً فلسفه وجود ما این است. یا هدف «رسیدگی به مناطق محروم و مناطق دوردست» اینها جزء آرزوهای ماست» (بیانات رهبر در دیدار خبرنگاران منتخب ملت، ۱۳۸۵).

نسبت عدالت و برابری فرصت‌ها

همان‌طور که پیشتر اشاره شد پارامترهای برابری فرصت‌ها قابل احصا و بررسی در جامعه خواهد بود برابری،^۱ یکسان‌انگاری میان همگان است، این مفهوم در کنار مفهوم آزادی در زمره مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت نظام بشری در دنیای معاصر بازشناسی می‌شود. اصل برابری انسان‌ها در همه مکاتب فکری-نظری به‌عنوان یک وجه اشتراکی همواره مورد تأکید می‌باشد. بر این اساس در مکتب اسلام نیز اصل برابری خلقت تصریح می‌گردد: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^۲ (سوره ص، ۷۲). نگاه به انسان از انسانی به انسان دیگر متفاوت نیست، بلکه همه انسان‌ها در اینکه روح الهی دارند مشترک‌اند، اشتراک در روح الهی به معنای برابری همگان در خلقت است. اسلام می‌خواهد روح‌ها با هم یکی شوند تا مردم به حکم بلوغ روحی، عاطفه انسانی و اخوت اسلامی ناشی از معنویت اسلام برای رفع تبعیض‌ها گام بردارند (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳). توجه به برابری انسان‌ها در مبادی نظری الهی بستر چیدن فرصت‌های برابر بشری را مطرح می‌کند. به تبع فرمان خداوند در خصوص برابری انسان‌ها اجرای قوانین یکسان (له و علیه) از طریق مکانیسم‌های ساختاری مشخص شده امکان‌پذیر می‌گردد و امکانات رفاهی و تمهیدات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باید به‌طور مساوی در اختیار همه افراد قرار گیرد.

علی‌رغم مفهوم عدالت از منظر شهید مطهری که آن را «رعایت استحقاق‌ها» می‌داند، این نوشتار به دنبال معرفی یک نوع معیار عملیاتی و اجرایی می‌باشد. «برابری» می‌تواند زیرساخت مناسبی برای این وجه از عدالت در کلام شهید مطهری باشد. وجهی که می‌توان آن را به و سپس به فرصت‌های برابر تقلیل داد. اما در عوض معیارهای قابل اندازه‌گیری و همه‌پسند به دست آورد که با روح انسان‌ها هم‌نوا می‌باشد و وجوه مهمی از گسترش عدالت در جامعه را فراهم می‌آورد. باید

1. equality

۲. پس هنگامی که کار خلقت او [آدم: نخستین انسان] را به پایان رسانیدم و در او از روح خود دمیدم، همگی و بدون استثناء [بر آدم] سجده کنید.

تأکید کرد گرچه برابری شهروندان یک جامعه، شرط کافی برای برقراری عدالت اسلامی و فرایند تسهیل پیشرفت و موفقیت شهروندان و کشور نمی‌باشد؛ اما بی‌شک شرط لازم و زیربنای آن است.

چگونگی برابرسازی فرصت‌ها

معمولاً طلب فرصت‌های برابر، نقطه مقابل امتیازها و محرومیت‌های مرتبط با طبقه، نژاد و جنسیت و... است. با تقسیم عادلانه امکانات در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌توان به نتیجه مطلوب در ارائه فرصت‌های برابر برای همگان در جهت نزدیک شدن به عدالت اجتماعی و اجرایی شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دست یافت. برابری فرصت‌ها در حوزه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان شاخصی از بسترسازی عدالت و به‌ویژه عدالت اجتماعی در جامعه خردمحور، توازن و مناسبات لازم را در روند پیشرفت اجتماعی انعکاس می‌دهد. در این راستا برای تفهیم بهتر موضوع، با تقسیم‌بندی انواع فرصت‌ها در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهت به کار بردن در سند الگو به شرح و تبیین آن پرداخته می‌شود. این لیست فرصت‌ها در مواردی باتدابیر ۱۹ گانه اشاره شده از سند الگو، همپوشانی داشته و همچنان قابلیت افزایش یا تعدیل و تغییر را دارد. دریافت و شناسایی دیگر موارد نیز با توجه به زندگی مردم، تجربیات بشری و بررسی میدانی در جامعه امکان‌پذیر است. لازم به ذکر است که لیست مذکور، می‌تواند به‌عنوان عنصری پویا، دائم در حال تغییر و تکاپو باشد و دولتمردان و متفکران سیاسی و اجتماعی می‌بایست دائم به کشف این فرصت‌ها مشغول باشند. چراکه تحولات و پیشرفت‌های زندگی امروز، بر تنوع و گستردگی و تفکیک فرصت‌ها مؤثر می‌باشد.

ارزش «برابری» در تمامی فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مطرح می‌باشد به جز آن امور مستثنی که بنا به اقتضایات زمانی، مکانی و دلایل مصرح دینی منع شده باشند. ناگفته پیداست حضور نمایندگان ادیان غیرمسلمان در مجلس شورای اسلامی و تأثیرگذاری در فرایند قانونگذاری بسیار امر سنت‌شکنی بوده، چراکه خداوند سبحان می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۱ (توبه، ۷۱) خداوند عزوجل مؤمنین و مؤمنات را اولیای هم می‌داند. این ولی بودن بُعدی فراتر از محبت دارد چراکه پس از آن صحبت از امر به معروف و نهی از منکر آمده است. لذا پرواضح است که از جمله مهم‌ترین مکان‌ها برای امر به معروف و نهی از منکر همانا مجلس شورای اسلامی و در امر

۱. و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کند... .

قانونگذاری می‌تواند باشد و فتح آفاق جدید در حوزه‌های فقهی و تحلیل بروز امور می‌تواند نمونه بارزی از فقه پویای شیعه باشد.

الف) برابری فرصت‌ها در حوزه فرهنگی

در این زمینه می‌توان به مثال‌های نظیر: برابری فرصت استفاده از جایگاه متساوی برای «زبان»‌های همه شهروندان، برابری و احترام به همه مذاهب شهروندان، برابری در آزادی بیان، اندیشه و افکار شهروندان، برابری فرصت و امکانات اجرای رسوم تمامی گروه‌ها و افراد، احترام مساوی و برابر به «ارزش‌های» کلیه گروه‌ها و شهروندان، برابری فرصت در بروز «خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها» و امکان «هنرآفرینی» تمامی گروه‌ها و شهروندان (خلاقیت هنری)، برابری در استفاده از «نمادهای فرهنگی» کلیه شهروندان، برابری در کمک به حفظ و نگهداری از کلیه «خرده ساختارهای فرهنگی» اشاره کرد. یکی از مواهب و حقوق طبیعی انسان‌ها گویش به زبان‌های مختلف است. تمامی انسان‌ها نسبت به بهره‌برداری از این استعداد طبیعی صاحب حق هستند و عدالت در این است که فرصت‌های مساوی و برابر برای استفاده از این حق طبیعی در هر جامعه و سرزمینی فراهم شود. اصل ۱۵ قانون اساسی به احترام و برابری در خصوص استفاده از زبان مادری اشاره دارد. این مورد نشان می‌دهد که شاخص‌های پیشرفت در قانون اساسی نیز وجود دارد که باید امکان و چگونگی بالفعل‌سازی آن برای اجرای عدالت به وجود آید. همچنین باید گفت که شهروندان حق دارند تا از برخورد تبعیض‌آمیز قانون در امان باشند، به‌ویژه آن‌عده از شهروندانی که از لحاظ مذهب، نژاد و... در اقلیت قرار دارند. همچنین مراعات نکردن حریم اجتماعی و شئون فرهنگی شهروندان امری ناعادلانه و ظالمانه است. هرچند به نظر می‌رسد دخالت دولت در آزادی مذهبی و عقیدتی شهروندان در صورتی که این آزادی منحل نظم جامعه نباشد، وجهی ندارد و پایبندی به مذهب و عقیده‌ای خاص، امری فردی بوده و دولت یا هر نهاد دیگری نمی‌تواند شهروندان را به پذیرش عقیده یا مذهبی خاص ملزم کند.

ب) برابری فرصت‌ها در حوزه سیاسی

برابری در برابر قانون (وظایف و حقوق یکسان) مثال بارزی در این حوزه می‌تواند باشد، چراکه همه موظف و مکلف به اجرای قانون و تبعیت از آن فارغ از تبعیضات نژادی، قومیتی، زبانی، جنسیتی و... می‌باشند. در عین حال قانونی که وضع می‌گردد باید حقوق همه افراد جامعه را فارغ از تعصبات مخرب تحت پوشش و حمایت قرار دهد. به عبارت دیگر، اگر منافعی در اجرای یک

قانون وجود دارد باید بیش از یک تکلیف اداری به‌عنوان اهتمام ملی و عزم جمعی به آن نگاه کنیم در این صورت مجموعه‌های مختلف که پای کار آمده‌اند به پیشرفت کشور برای رفع فساد و تبعیض کمک بیشتری خواهد کرد. مورد بعدی، فرصت مشارکت سیاسی برابر (برای احزاب، گروه‌ها و افراد در دو جایگاه انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده) می‌باشد، همچنین از جمله فرصت‌های برابر مشارکت سیاسی، حق شهروندان در دستیابی به مناصب سیاسی است. البته می‌بایست توجه داشت در مورد انتخاب‌شوندگان غیرمسلمان برخی ملاحظات فقهی وجود دارد. که چه بسا بنا به گفته شهید مطهری، با تطبیق دستورات کلی بر مسائل جدید و حوادث متغیر که «رمز اجتهاد»^۱ است، همچنین براساس نیازهای جامعه و تحولات و تغییرات جهانی در عصر جدید، می‌توان نسبت به این امر، احکام جدیدی به دست آورد که با مقتضیات زمان و مکان و چشم‌انداز الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی و با محدوده قانون اساسی و حتی چارچوب شرع مقدس همخوانی داشته باشد، چراکه بنا به گفته شهید مطهری: «اسلام، مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام، به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری، یا احساسی و عاطفی، فردی و اجتماعی، توجه شده است» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۶۵). شهید مطهری، جلوه‌گری و به حقیقت پیوستن فراگیری و گستردگی و واقع‌گرایی را در ضرورت تشکیل حکومت می‌بیند و می‌گوید: «اسلام تمام شئون زندگی بشر را زیر نظر دارد. قانون اجتماعی دارد، قانون اقتصادی دارد، قانون سیاسی دارد. آمده برای تشکیل دولت، تشکیل حکومت...» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

بشر از لحاظ حقوق اجتماعی که در جامعه نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند هم وضع مساوی دارند و هم وضع مشابه، یعنی حقوق اولی طبیعی آنها برابر یکدیگر و مانند یکدیگر است. همه مثل هم حق دارند خود را نامزد هر پست از پست‌های اجتماعی کنند و همچنین حق این را دارند که افراد شایسته مورد نظر خود را در کمال آرامش و با آزادی فکری کامل انتخاب کنند. افراد جامعه هنگامی که از امنیت شخصی، عمومی و اجتماعی‌شان از جانب دولت اطمینان حاصل کنند، به امنیت و آزادی در بیان و اندیشه و نیز امنیت سیاسی دست یافته‌اند.

مقام معظم رهبری، در تعریف انسان از نگاه اسلام او را موجودی مختار، مُکَلَّف و در معرض هدایت الهی دانسته و با تأکید بر تجلی این نگاه در الگوی پیشرفت خاطر نشان کردند: «در این

۱. شهید مطهری می‌گوید: «اسلاماً، رمز اجتهاد در تطبیق دستورات کلی بر مسائل جدید و حوادث متغیر است. مجتهد واقعی آن است که این رمز را به دست آورده باشد. توجه داشته باشد که موضوعات، چگونه تغییر می‌کند و بالطبع حکم آنها عوض می‌شود والا به موضوع کهنه و فکر شده، فکر کردن و حداکثر یک (علی الاقوی) را تبدیل به (علی الاحوط) کردن و یا علی الاحوط را تبدیل به علی الاقوی کردن، هنری نیست و این همه جار و جنجال لازم ندارد (گفتار اصل اجتهاد در اسلام (کتاب ده گفتار)).»

نگاه، مردم‌سالاری علاوه بر اینکه حق مردم است تکلیف آنها نیز می‌شود و کسی نمی‌تواند بگوید صلاح یا فساد جامعه به من مربوط نیست» (بیانات رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹). با تقویت جایگاه صندوق‌های رأی در مردم‌سالاری اسلامی ایران، وجه بارز برابری آحاد مردم ایران در بهترین و آشکارترین نوع، خودنمایی می‌کند.

توزیع برابر پست‌های مدیریتی بین گروه‌های مختلف (و امکان استفاده از تمامی شهروندان) از دیگر مثال‌ها در حوزه سیاسی است. اختلال و فقدان اعتماد اجتماعی در دستگاه‌های اداری به دلیل عدم تقسیم صحیح و برابر پست‌های مدیریتی بین مجموعه‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه در یک کشور، یکی از موارد تخریب رابطه بین دولت و ملت می‌باشد که باعث عدم توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و پست‌های مدیریتی بین اشخاص شایسته تصدی، می‌گردد. این امر فرصتی برای تبعیض و فساد فراهم آورده و به دنبال آن مانع تأمین و اجرای عدالت اجتماعی می‌گردد. عدم اجرا و فراهم شدن عدالت اجتماعی اختلال در توسعه اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت.

تعریف نظری و اجرایی برای نمایندگی تمامی گروه‌های اجتماعی در دولت (مثل نمایندگان اقلیت‌های مذهبی) جهت ایجاد احساس برابری و در نتیجه برابری واقعی فرصت‌ها و رسیدن به عدالت اجتماعی و برابری و تساوی «آزادی بیان» برای همه گروه‌های اجتماعی و افراد از دیگر نمونه‌های این حوزه است. انسان استعداد اندیشیدن و انتخاب کردن دارد. یکی از شرایط پیدایش تمدن، رشد و پیشرفت، آزادی فکر و اندیشه به معنای واقعی کلمه است؛ یعنی ملازم بودن فکر و اندیشه با عدم تعصب یا تساهل. آزادی فکر و اندیشه گروه‌های اجتماعی، رهایی افراد است از قیدوبندها و محدودیت‌های پدید آمده از طرف افراد دیگر. این آزادی در صورتی ارزشمند است که انسان را به عالی‌ترین کمالات و مقامات برساند و موجبات رشد و تعالی وی را فراهم آورد. پس جامعه عادل جامعه‌ای است که برای انسان‌ها امکان اندیشیدن فراهم سازد و آزادی اندیشه فراهم باشد نه تحمیل اراده و فکر در جهت تأمین منافع طبقه‌ای خاص.

ج) برابری فرصت‌ها در حوزه اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و در جامعه با دیگران زندگی می‌کند و بهره‌برداری از نعمت‌ها حق همه افراد است. برابری در حق برخورداری از نیازهای اولیه به‌عنوان حقی بشری است و هدف اصلی برآورده کردن کل نیازهای اساسی بشر در همه جوامع برای رشد و پیشرفت است.

۱. امنیت غذایی برای همگان؛

۲. امنیت عمومی برای تمامی شهروندان و کلیه سرزمین؛

۳. تقنین و تهیه امکانات جهت «مسکن‌دار» شدن برای همه شهروندان؛
۴. سلامت و بهداشت (و ورزش) برای کل اقشار و افراد (و خدمات رفع آسیب‌های اجتماعی)؛
۵. فرصت‌های آموزشی برابر (آموزش به زبان مادری، امکان ورود به دانشگاه در تمامی نقاط جغرافیایی و رشته‌های متنوع، امکانات آموزشی برابر و...)، در واقع جامعه‌ای عادل است که برای همه افراد، امکان با سواد شدن و ترقی علمی و پیدا کردن مهارت و فنون را فراهم سازد؛
۶. بیمه برای همگان؛
۷. امکان برابر دسترسی پایدار به منابع و خدمات مورد نیاز توسعه فردی (و رفاه فردی). به عبارتی، خدمات آموزشی، امکانات بهداشتی، خدمات زیربنایی، برخورداری از تغذیه مناسب و غیره در سطح قابل قبول در اختیار تمام اقشار جامعه قرار گیرد و امکانات زیربنایی مناسب شهری افزایش یابد و بیسوادی رخت برنندد، به طوری که کیفیت افراد و پتانسیل‌های انسانی جامعه به حداکثر برسد؛
۸. تساوی در دسترسی همزمان به اطلاعات و قوانین و مصوبات. همگان امکان دسترسی آزاد به اطلاعات منتشره در این زمینه را داشته باشند زیرا یکی از اموری که می‌تواند اجرای عدالت اجتماعی را با مشکل مواجه سازد، رانت اجتماعی است که ناشی از رانت اطلاعاتی می‌تواند باشد یعنی اینکه برخی می‌توانند چیزهایی را بدانند در حالی که برخی دیگر از آن محروم هستند و این رانت‌های اطلاعاتی فرصتی برای تبعیض و فساد فراهم می‌آورد. دسترسی آزاد به اطلاعات در مواردی که یک مورد به تصویب برسد و فاصله بین تصویب و انتشار و آگاهی مردم از آن موضوع نباشد، همان فضای مساوی در اطلاعات است که در نتیجه برابری در ارائه فرصت‌ها و امکانات می‌باشد و در نهایت منجر به برقراری عدالت اجتماعی و به تبع آن اجرایی‌تر شدن توسعه اجتماعی می‌گردد؛
۹. توزیع برابر خدمات و امکانات تفریحی و نشاط؛
۱۰. تضمین و برابری در حفظ «خرده ساختارهای اجتماعی» کلیه بخش‌های جامعه؛
۱۱. تضمین و برابری آزادی‌های فردی و اجتماعی کلیه گروه‌ها و شهروندان؛
۱۲. تساوی و برابری فرصت‌های حقوقی و شهروندی (در دادگستری و...)، در حوزه حقوقی و قانونی برابری این‌گونه معنی می‌شود که قانون یکسان برای همه و همه انسان‌ها به صدف انسانیت برابر و در پیشگاه قانون نیز یکسان می‌باشند؛
۱۳. تهیه امکانات لازم برای افراد ناتوان از نظر ذهنی و جسمی. جامعه باید به کسانی که مواهب زیستی و یا موقعیت‌های اجتماعی کمتری نسبت به دیگر افراد جامعه دارند، توجه بیشتری داشته و نیازهای آنان را در حد کفاف مرتفع نماید. مثلاً منابع بیشتری در آموزش کندذهنان به جای تیزهوشان هزینه شود و همچنین آنان که به واسطه به دنیا آمدن در طبقه‌های پایین از آموزش کامل

برخوردار نبوده‌اند، یا آنها که دچار ضعف هستند، در رقابت با آنان که از آموزش کامل برخوردارند، باید به نحوی حمایت شوند تا با بقیه در سطحی برابر جهت رقابت قرار گیرند.

د) برابری فرصت‌ها در حوزه اقتصادی

در این حوزه می‌توان به فرصت‌های شغلی برابر اشاره نمود. یعنی اینکه برای همه افراد جامعه به‌طور یکسان و با توجه به دانش و مهارت فردی و تخصص لازم، این فرصت‌ها ارائه و توزیع گردد. فرصت برابر ناشی از یکسان برخورد کردن با همه مردم، فارغ از موانع یا تعصبات یا ترجیحات مصنوعی است، مگر وقتی که تمایز خاصی را بتوان صریحاً توجیه کرد. هدف از این مفهوم مورد مناقشه، این است که مشاغل مهم باید به شایسته‌ترین‌ها تخصیص یابند. کسانی که احتمالاً قابل‌ترین‌ها در انجام یک وظیفه خاص باشند و نه کسانی که به دلایل تصادفی یا بی‌ربط مانند وضعیت خانوادگی یا دوستان، دین، جنسیت، قومیت، خویشاوندسالاری، نژاد، طبقه، سن، هویت یا گرایش جنسی آن را به دست می‌آورند. از نمونه‌های دیگر می‌توان به امکانات مالی زیربنایی برابر (شعبه‌های بانکی و...) و تسهیلات برابر برای راه‌اندازی فعالیت اقتصادی (صنعتی، تجاری، کشاورزی یا خدماتی) اشاره نمود. به‌عنوان مثال، دولت الکترونیک نمونه خوبی برای ارائه فرصت‌های برابر در این زمینه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نسخه‌ای راهبردی است که مؤلفه‌های جهان‌بینی حاکم بر تمدن اسلامی-ایرانی را ارائه می‌دهد. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، یک الگوی نظری با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌پردازد. پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. در این سند، هدف اجرای عدالت در جامعه اسلامی ایرانی است.

بی‌شک اگر با تسامح و تقلیل‌گرایانه به جهت ملموس‌تر نمودن مفهوم گسترده «عدالت» و ایجاد زمینه قابلیت تبیین آن به شکل قواعدی حقوقی، معیار عدالت را «آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز می‌پسند» و معکوس آن یعنی «آنچه را برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار» در نظر بگیریم، انعکاس و بازتابی از مفاهیم و مؤلفه‌های برابری فرصت‌ها در فراسوی نیل به عدالت اجتماعی در جامعه عدالت محور آرمانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خواهد داشت، لذا همان‌گونه که اشاره شد شهید بهشتی با تعریفی «عملی» از عدالت اخلاقی،

قبول مسئولیت در نظام اسلامی را نیز تنها در راستای خدمت به مردم و بر مبنای همین عدالت اخلاقی تعریف می‌کند. همچنین ایشان عدل سیاسی و عدل اقتصادی را به نسبت نقشی که در عدل اخلاقی دارد مورد توجه قرار می‌دهد، مهم‌ترین رکن عدالت اخلاقی از دیدگاه بهشتی، برخورد از روی «انصاف» با افراد و عقاید است که با توجه هم‌زمان به خردورزی و تدبیر و خلوص عقیده می‌توان مدعی رعایت عدالت در جامعه شد. همچنین شهید مطهری در مقام تبیین مفهومی عدالت تلاش می‌کند که با توجه به تنوع کاربردهای عدل در فضاهای مختلف، آن را تفسیر نموده و در این راستا چند معنای کلیدی برای آن ارائه نماید. مهم‌ترین نکات مورد توجه از نگاه ایشان، رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق به ذی‌حق و همچنین تساوی و نفی هرگونه تبعیض می‌باشد که با توجه به این نکات می‌توان به عدالت مورد نظر در یک جامعه اسلامی نزدیک‌تر شد.

در آخر، باید گفت که عدالت امری ضروری برای افراد و جامعه است که با برقراری و تحکیم پایه‌های آن، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌تواند امکان شکل‌گیری را پیدا کند. بی‌شک می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین راهبردهای اجتماعی، برقراری عنصر «برابری فرصت‌ها» برای نیل به «عدالت» در جامعه و در نهایت تحقق «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» خواهد بود. پس در این رهیافت، جامعه زمانی می‌تواند به عدالت دست یابد که افراد فارغ از اختلافات فرهنگی و زبانی، تنش‌های قومی و اختلافات مذهبی و غیره به منافع اجتماعی و انسجام و وحدت ملی بیندیشند و منابع ملی، درآمد و قدرت اقتصادی و سیاسی به شیوه‌ای در پیکره جامعه توزیع گردد که مشارکت عامه را فراهم کند و اختلافات طبقاتی بین گروه‌های مختلف جامعه ایرانی به حداقل ممکن برسد. چنین جامعه‌ای تنها با همین معیار «برابری» نیز یکی از عالی‌ترین آرمان‌های اسلامی ایرانی را به‌عنوان وجهی درخشانده از همسانی تمام ایرانیان به نمایش خواهد گذاشت و یکی از زیباترین نماهای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را منعکس خواهد نمود، همچنین همان‌گونه که به تفصیل بیان گردید با حفظ اصل «برابری فرصت‌ها» زمینه دستیابی به عالی‌ترین وجوه افق ۱۴۴۴ محقق خواهد شد. مفهوم «برابری فرصت‌ها» در حوزه‌های مختلف اجتماعی، حقوقی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌مثابه ترجمان گسترش عدالت اسلامی در تمام نقاط سرزمینی ایران و در بین تمام ایرانیان می‌تواند پاشنه آشیل گفتمان ملی نقد و اصلاح و تکمیل آیت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد. و در هر چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت که مورد نظر مقام معظم رهبری می‌باشد کارایی داشته باشد. گزاره‌های «برابری فرصت‌ها» به‌عنوان وجه اجرایی عدالت در «مبانی» و «آرمان» می‌بایست در «تدابیر» سند پایه خود را نمایان سازد. و همچنین «برابری فرصت‌ها» خود یکی از مهم‌ترین افق‌های این سند در سال ۱۴۴۴ خواهد بود. شرحی از برابری فرصت‌ها در

حوزه‌های اصلی حیات بشر می‌تواند به بسط گفتمان ملی و تکمیل «تدابیر» و یا «زیر تدابیر» سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کمک خواهد نمود. لذا با قرار دادن واضح عبارت «برابری فرصت‌ها» در این سند بالادستی می‌توان چراغ‌های پر نور را بر دیگر برنامه‌های کشور همچون سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج ساله تابانید تا مسیر تحقق این هدف عالی اسلامی ایرانی فراهم گردد.

جدول ۶: نمای کلی مقاله در نگاه اجمالی

عناصر تفصیلی تشکیل‌دهنده الگوی پایه که مرتبط با مفاهیم عدالت و برابری فرصت‌ها	تفکیک تفصیلی و توضیحات کلی	تعریف عام	الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
عادل در تکوین، تشریح و سزادهی است	خداشناختی		مبانی
خداوند جهان مادی را در خدمت انسان که امانتدار و آبادکننده آن است، قرار داده که در صورت بهره‌برداری کارآمد و عادلانه، تأمین‌کننده نیازهای او است.	جهان‌شناختی		
بعد فطری او که ناشی از نفخه الهی است منشأ کرامت ذاتی و نیز برخورداری از اوصاف خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های متعالی است	انسان‌شناختی	اهم پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی	
شماری از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع و تاریخ عبارتند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده انسان؛ وفور نعمت در اثر تقوا، عدالت و استقامت	جامعه‌شناختی	جهان‌شمول معطوف به پیشرفت	
ارزش‌ها ریشه در واقعیت دارند و اصول آنها ثابت، مطلق و جهان‌شمول است.	ارزش‌شناختی		
دین، دستگاه جامع معرفتی-معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان نازل شده است	دین‌شناختی		
سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون	خلافت الهی و حیات طیبه	ارزش‌های فرازمانی-فرا مکانی و جهت‌بخش پیشرفت	آرمان‌ها
-	رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است.	میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت	رسالت

<p>سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده - شاغل در حرفه متناسب - اقتصادی خوداتکا - خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است - فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده - تکافل عمومی - تأمین اجتماعی جامع و فراگیر - دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه - ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی - اتکا به آرای عمومی - مشارکت آزادانه مردم</p>	<p>*مردم دیندار ایران *سبک زندگی خانواده اسلامی ایرانی</p>	<p>تصویرسازی آرمان‌های الگو بر جامعه و زیست‌بوم ایران در نیم‌قرن آینده</p>	<p>افق</p>
<p>عدم تعارض دوگانه‌هایی از قبیل پیشرفت و عدالت، ایرانی بودن و اسلامیت (بند ۱۱) تحقق عدالت مالیاتی (بند ۲۱) تحقق عدالت در ساختار قانونی نظام بانکی (بند ۲۳) تأمین عدالت بین نسلی (بند ۲۴) رعایت ملاحظات بین نسلی در بهره‌برداری از ثروت‌های ملی (بند ۲۸) توانمندسازی مناطق محروم و سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف (بند ۳۰) تمرکززدایی در ساختار اقتصادی-مالی کشور در چارچوب سیاست‌های ملی (بند ۳۱) پوشش همگانی مراقبت‌ها و خدمات و توزیع عادلانه منابع حوزه سلامت (بند ۳۶) مشارکت نظام‌مند مردمی در ارتقای سلامت (بند ۳۷) فرصت‌های عادلانه برای زنان (بند ۴۱) افزایش آگاهی و اخلاق اجتماعی و تقوای عمومی (بند ۴۳) تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه (بند ۴۴) حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت و ثبات سیاسی (بند ۴۵) گسترش و تقویت تشکل‌های مردمی (بند ۴۶) ارتقای نظارت مردمی (بند ۴۷) ترویج حقوق و نکالیف شهروندی و تقویت احساس آزادی در آحاد جامعه (بند ۴۹) تعیین ضوابط عادلانه تخصیص امکانات مسئولان حکومتی و تشکل‌های سیاسی (بند ۵۰) اهتمام مسئولان به هنجار عدالت (بند ۵۱) کمتر از یک درصد جمعیت کشور حقوق‌بگیر دولت (بند ۵۲)</p>	<p>در ۵۶ بند</p>	<p>تصمیمات و اقدامات اساسی</p>	<p>تدابیر</p>

ادامه جدول ۶: نمای کلی مقاله در نگاه اجمالی

عناصر تفصیلی تشکیل‌دهنده الگوی پایه که مرتبط با مفاهیم عدالت و برابری فرصت‌ها	تفکیک تفصیلی و توضیحات کلی	تعریف عام	الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
<p>۱. برابری فرصت استفاده از جایگاه متساوی برای «زبان»‌های همه شهروندان</p> <p>۲. برابری و احترام کلیه مذاهب شهروندان</p> <p>۳. برابری در آزادی کلیه عقاید شهروندان</p> <p>۴. برابری فرصت و امکانات اجرای رسوم کلیه گروه‌ها و افراد</p> <p>۵. برابری در آزادی اندیشه</p> <p>۶. احترام مساوی و برابر به «ارزش‌های» کلیه گروه‌ها و شهروندان</p> <p>۷. برابری فرصت و امکان «هنرآفرینی» تمامی گروه‌ها و شهروندان (خلاقیت هنری)</p> <p>۸. برابری در استفاده از «نمادهای فرهنگی» کلیه شهروندان</p> <p>۹. برابری در کمک به حفظ و نگهداری از کلیه «خرده‌ساختارهای فرهنگی»</p> <p>۱۰. برابری فرصت در بروز «خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها» برای تمامی شهروندان</p>	<p>فرهنگی</p> <p>گزاره‌های «برابری فرصت‌ها» به‌عنوان وجه اجرایی عدالت در «مبانی» و «آرمان» می‌بایست در «تدابیر» سند پایه خود را نمایان سازد. و همچنین «برابری فرصت‌ها» خود یکی از مهم‌ترین افق‌های این سند در سال ۱۴۴۴ خواهد بود.</p>	<p>تصمیمات و اقدامات اساسی</p>	<p>تدابیر جدید (با استفاده از گزاره‌های برابری فرصت‌ها)</p>
<p>۱. برابری در برابر قانون (وظایف و حقوق یکسان)</p> <p>۲. فرصت مشارکت سیاسی برابر (احزاب گروه‌ها انتخاب‌کننده انتخاب شونده)</p> <p>۳. توزیع برابر پست‌های مدیریتی بین گروه‌های مختلف (و امکان استفاده از تمامی شهروندان)</p> <p>۴. تعریف نظری و اجرایی برای نمایندگی تمامی گروه‌های اجتماعی در دولت (مثل نمایندگان اقلیت‌های مذهبی)</p> <p>«جهت ایجاد احساس برابری و در نتیجه برابری واقعی فرصت‌ها و رسیدن به عدالت اجتماعی»</p> <p>۵. برابری و تساوی «آزادی بیان» برای کلیه گروه‌های اجتماعی و افراد</p>	<p>سیاسی</p>		

<p>۱. امنیت غذایی برای همگان ۲. امنیت عمومی برای تمامی شهروندان و کلیه سرزمین ۳. تقنین و تهیه امکانات جهت «مسکن‌دار» شدن برای همه شهروندان ۴. سلامت و بهداشت (و ورزش) برای کل اقشار و افراد (و خدمات رفح آسیب‌های اجتماعی) ۵. فرصت‌های آموزشی برابر (آموزش به زبان مادری، امکان ورود به دانشگاه در تمامی نقاط جغرافیایی و رشته‌های متنوع، امکانات آموزشی برابر و...) ۶. بیمه برای همگان ۷. امکان برابر دسترسی پایدار به منابع و خدمات مورد نیاز توسعه فردی (و رفاه فردی) ۸. توزیع برابر خدمات و امکانات تفریحی و نشاط ۹. تضمین و برابری در حفظ «خرده ساختارهای اجتماعی» کلیه بخش‌های جامعه ۱۰. تضمین و برابری آزادی‌های فردی و اجتماعی کلیه گروه‌ها و شهروندان ۱۱. تساوی و برابری فرصت‌های حقوقی و شهروندی (در دادگستری و...)</p>	<p>اجتماعی</p>			
<p>۱. فرصت‌های شغلی برابر ۲. تسهیلات مالی برابر ۳. امکانات مالی زیربنایی برابر (شعبه‌های بانکی و...) ۴. تسهیلات برابر برای راه‌اندازی فعالیت اقتصادی (صنعتی، تجاری، کشاورزی یا خدماتی)</p>	<p>اقتصادی</p>			

پیشگاه علوم انسانی مطالعات
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع

* نهج البلاغه

۱. حسینی بهشتی، محمد (۱۳۹۰)، حق و باطل از نگاه قرآن، چاپ هفتم، تهران: نشر بقیعه، ۱۵۰ ص.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵)، «بیانات رهبری در دیدار خبرگان منتخب ملت»، به نقل از سایت رهبری، تاریخ بیانات ۱۳۸۵/۶/۹.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، «بیانات رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در جمهوری اسلامی ایران»، تاریخ بیانات ۱۳۸۹/۹/۱۱.
۴. شکوهی، علی (۱۳۸۵)، «اندیشه سیاسی شهید مطهری»، پژوهش‌های اجتماعی، اسلامی، سال ۱۲، ش ۴، مهر و آبان ۱۳۸۵.
۵. طاهری، سیدمهدی (۱۳۸۸)، «عدالت از نگاه شهید مطهری»، پایگاه حوزه، ش ۲۵۳.
۶. قاسمی، صدیقه (۱۳۹۵)، اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، تهران: انتشارات روزنه، ۳۸۱ ص.
۷. متن سند الگوی پیشرفت از سایت همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، اسلام و مقتضیات زمان، جلد یک، چاپ پنجم، تهران: انتشارات صدرا.
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، مبانی فقهی اقتصاد، تهران: حکمت.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، ده گفتار، چاپ سی‌ام، تهران: انتشارات صدرا.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، جلد دوم، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، جهاد، چاپ بیستم، تهران: انتشارات صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، یادداشت‌های استاد مطهری، جلد ۳، تهران: انتشارات صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، «پیرامون انقلاب اسلامی ایران»، تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. نادری قمی، محمد مهدی (۱۳۹۶)، «دولت و عدالت اجتماعی؛ مقایسه دیدگاه اندیشمندان مسلمان و غربی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ۸، ش ۲، بهار ۱۳۹۶.

۱۷. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۹)، «فقه در چشم انداز شهید مطهری»، فصلنامه فقه، ش ۲۳، بهار ۱۳۹۷.
۱۸. ندایی، هاشم (۱۳۷۹)، «بررسی معنا و مفهوم عدالت با تأکید بر عدالت اجتماعی»، فصلنامه مصباح، سال ۹، ش ۳۴، تیر ۱۳۷۹.
۱۹. نصری، عبدالله (۱۳۸۳)، «حق و عدالت در اندیشه استاد مطهری»، فصلنامه قیاسات، ش ۲۸.
۲۰. نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۵)، «اصل عدالت و قانونگذاری دینی»، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ش ۴۳، سال ۱۱، پاییز ۸۵.

